

سازمان تجارت جهانی : اهریمن یا فرشته نجات؟

دکتر حمیدزنگنه

استاد اقتصاد بین الملل و کلان در دانشگاه وایتلر - پنسیلوانیا

سازمان تجارت جهانی (W.T.O) سازمانی است که برای گسترش تجارت خارجی در سطح بین المللی برپا شده است. این سازمان پدیده جدیدی نیست. پیش از آن سازمانی با عنوان «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت»، معروف به (گات)^۱ با اختیارات کمتری وجود داشت.^۲ در اکتبر ۱۹۸۶ در یکی از همایش های گات که در بندر پانتادل استه (Panta del Este) در اروگوئه برگزار شد دور مذاکرات برای موافقتنامه جدیدی بین بیش از یکصد کشور شرکت کننده آغاز گردید. این دور مذاکرات در دسامبر ۱۹۹۳ به ثمر رسید^۳ و سازمان تجارت جهانی جانشین گات شد. در روز اول ژانویه ۱۹۹۵ موافقتنامه دور اروگوئه به اجرا درآمد که سرانجام تعرفه های گمرکی را ۳۳ درصد کاهش داد و تغییراتی شگرف در تجارت بین المللی به وجود آورده و خواهد آورد.

در چند سال گذشته این سازمان به دلایلی چند مورد مخالفت گروه های گوناگون قرار گرفته است. سازمان تجارت جهانی دلایل مخالفان پاسخهای خود را در ده مورد منتشر کرده است که در این مقاله کوتاه برخی از آنها را بررسی می کنیم.

۱- سازمان تجارت جهانی سیاستهای تجاری داخلی و بین المللی را به کشورها تحمیل می کند.^۴ درست است که هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی باید قوانین، اصول، و مقررات داخلی خود را، تا آنجا که به تجارت بین المللی مربوط می شود، با اصول و مقررات مورد قبول سازمان هماهنگ کند ولی این امر نباید به منزله تحمیل اصول و مقررات به کشورها تلقی شود. طبق اصول سازمان، تصمیمات آن باید با توافق همه اعضا یا بی مخالفت حتی یکی از آنها گرفته شود. بنابراین هیچ تصمیمی را سازمان نمی تواند تحمیل کند چون اصول و مقررات سازمان را اعضای آن نوشته و اصلاح می کنند و دستکم به ظاهر، هر یک از اعضا، کوچک یا بزرگ، حق و تو دارد؛ حقی که کشورهای جنوب، به رهبری هند، در نشست کنکون (Cancun) مکزیک برای مخالف با پیشنهاد های کشورهای شمال از آن بهره بردند. در ضمن، اصول سازمان باید به تصویب مجلس قانون گذاری هر یک از اعضا برسد. اگر کشورها در برخی موارد، بنابر ملاحظات سیاسی و اقتصادی خود، از این حق خود گذشت می کنند، موضوع دیگری است.

۲- سازمان تجارت جهانی از تجارت آزاد به هر

بهایی پشتیبانی می کند.^۵

سازمان تجارت جهانی در این مورد خود را نیازمند دفاع نمی بیند. این سازمان برای پیشبرد تجارت جهانی برپا شده است. به عقیده سازمان و بر اساس نظریات اقتصادی مورد پذیرش بازار آزاد، همه کشورهای «به شکل جمعی» از تجارت آزاد بهره مند می شوند ولی میزان بهره مندی اعضا متفاوت است؛ بدین معنی که، به ظاهر و نه در عمل، درآمد ملی کشورهای فعال و مشترک ممکن است ۱۰۰ درصد افزایش یابد ولی امکان دارد کشوری ۱۰۰ درصد و کشورهای دیگر صفر درصد ارزش افزوده به دست آورند. با توجه به این نکته کلی که تجارت خارجی لزوماً باعث افزایش تولید جهانی خواهد شد، هر چه محدودیتها کمتر شود و تجارت بین المللی افزایش یابد، درآمد ناخالص ملی و میزان اشتغال در کشورها بیشتر می شود و منافع بیشتری عاید «همه» خواهد شد.

از دیدگاه سازمان تجارت جهانی، برخی از منتقدان و ناظران، توزیع درآمد و تولید درآمد را با همدیگر اشتباه می گیرند. بیشتر نقدها بر محور نابرابری توزیع درآمد های ناشی از تجارت بین المللی قرار دارد و هر چند سازمان با این نابرابریها بطور کلی موافق نیست ولی وظیفه خود نیز نمی داند که در جهت بهتر شدن توزیع درآمد فعالیت کند. این امر بیرون از چارچوب اختیارات و وظایف سازمان است؛ ولی در هر حال چگونگی ورود به سازمان و کاهش میزان محدودیتها و مدت زمانی که در آن، این محدودیتها باید کاسته یا احتمالاً حذف شود، مبتنی بر مذاکرات کشورهای درخواست کننده با همتایانشان از طرف سازمان است و برای همه یکسان نیست. بسیاری از کشورها و ناقدان، آگاهانه، ناکامیهای اقتصادی خود را به گردن این سازمان می گذارند که درست نیست. اعضا می توانند فرصت مناسبی برای صنایع داخلی خود در جهت تعدیل، تطبیق، و اصلاح در محیط جدید به دست آورند.

۳- سازمان تجارت جهانی منافع بازرگانی را بر توسعه^۶ و سلامت محیط زیست^۷، سلامت غذا، و رفتار مناسب با حیوانات ترجیح می دهد.^۸

مهمترین اصلی که باید بدان توجه کرد این است که نیروی پیش برنده تجارت جهانی، سود بیشتر و بازدهی بیشتر نیروهای کار و سرمایه است؛ در حالی که پایه اساسی حقوق بشر و آزادیهای فردی و اجتماعی بر ارزشهای افراد و

تولید آنها باعث کشتن حیوانات دیگر شده است^{۱۵} یا از حیوانات برای آزمایشگاههای^{۱۶} خود استفاده کرده‌اند ممنوع کنند. از این رو کشورهای واردکننده نمی‌توانند بر اساس قوانین خود روش تولید سالم تری برای همه تولیدکنندگان داخلی و خارجی وضع کنند. در حقیقت، از دید سازمان، تجارت خارجی بر محیط زیست برتری ندارد ولی چنانچه سازمان، این تمایزها در شکل تولید و کاربرد آنها برای اهداف سیاسی مانند تحریم صادرات کشوری به علت نقض حقوق انسانی و آزادیهای فردی را بپذیرد، کشورها، بویژه کشورهای ثروتمند، اولویتهای سیاسی-اقتصادی-اجتماعی خود را به کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای ضعیف تر، تحمیل خواهند کرد که این امر برای سازمان پذیرفتنی نیست.^{۱۷}

۴- سازمان تجارت جهانی اشتغال داخلی را از میان می‌برد و بدتر می‌کند.^{۱۸}

پاسخ سازمان تجارت جهانی در این مورد همان است که در مورد پشتیبانی از تجارت آزاد عنوان کرد؛ بدین معنی که سازمان به درستی معتقد است که تجارت باعث افزایش درآمد ناخالص ملی و اشتغال در کشورهای عضو می‌شود ولی همه بطور مساوی از این افزایش بهره‌مند نخواهند شد. میزان بهره‌مندی هر کشور بستگی به قدرت رقابت آن با رقیبان خود در بازارهای بین‌المللی دارد. اشتغال، تولید، و فروش شرکتهایی که قدرت و آمادگی برای رقابت جهانی دارند بالا می‌رود و در نتیجه اشتغال ملی افزایش می‌یابد و به بالا رفتن درآمد ناخالص ملی کمک می‌کند. برعکس، اشتغال، تولید، و فروش شرکتهایی که نمی‌توانند و آمادگی برای رقابت جهانی ندارند کاهش می‌یابد و کاهش اشتغال ملی، به پایین رفتن درآمد ناخالص ملی می‌انجامد. ولی هر چند در این جریان بازنده و برندگان خواهد بود، بطور کلی، تولید کشورها و جهان افزایش خواهد یافت. اشتغال از میان نمی‌رود ولی برخی مشاغل که بازدهی ندارند حذف می‌شوند و کارکنان این مشاغل به مشاغلی که بازدهی بیشتری دارد جذب خواهند شد. بی‌گمان در این روند بیکاری کوتاه مدت به وجود خواهد آمد. مدت و شدت بیکاری بستگی به شالوده و عملکرد اقتصادی کشور دارد. هرچه اقتصاد کشور پویاتر باشد مدت و شدت بیکاری کمتر خواهد بود.

سازمان تجارت جهانی بر آن است که دولتها باید تمهیداتی برای کمک به این نوع شرکتهای کارکنان

جامعه قرار دارد.^{۱۹} وقتی این دو اصل در برابر هم قرار بگیرند درگیری به وجود خواهد آمد و این درگیری‌ها لزوماً برندگان و بازندگان خواهد داشت. بنابراین، مخالفان تجارت آزاد جهانی معتقدند که قوانین سازمان باید به گونه‌ای اصلاح شود که با ارزشهای جوامع همگون شود و شمار کسانی را که در این درگیری‌ها زیان دیده‌اند بتوان به کمترین میزان ممکن رساند؛ مشکلاتی که حل آن، نه تنها نیاز به همکاری، همراهی، و همفکری همگی در سطح جهانی دارد بلکه، در بهترین شرایط ممکن، توان مالی مورد نیاز برای آن نیز ممکن است وجود نداشته باشد.

در مورد محیط زیست، سازمان به روشنی اعلام کرده است که اعضا «هم می‌توانند و هم باید اقداماتی برای حفاظت از حیوانات در حال نابودی به عمل آورند»^{۲۰} ولی این اقدامات نباید «غیرمنصفانه» باشد. برای نمونه، «کشورها نباید رفتار تبعیض آمیز داشته باشند. یک کشور نمی‌تواند یا تولیدکنندگان داخلی به نرمی رفتار کند در حالی که با تولیدکنندگان و فروشندگان خارجی رفتاری سخت داشته باشد.»^{۲۱} این بدان معنی است که کشورها نباید سیاستهایی اتخاذ کنند که ظاهراً برای حفاظت محیط زیست وضع شده باشد ولی مقصود باطنی و عملی آنها کمک به تولیدکنندگان و فروشندگان خودی باشد.

منتقدان سازمان تجارت جهانی تصمیمات هیأت منصفه برای حل اختلافات اعضا^{۲۲} در موارد تولید ماهی تونا و ماهی یونس^{۲۳}، پوشاک پوست خز، و حمایت از فروش داروهای را که برای آزمایش آنها از حیوانات استفاده شده خلاف مقررات بالا می‌دانند؛ بدین معنی که سازمان برای حفظ پیشبرد تجارت خارجی، در عمل، اصول خود برای حفظ محیط زیست و حیوانات را با بازی با کلمات زیر پا می‌گذارد. این دوگانگی در حرف و عمل را می‌توان در آراء هیأت منصفه سازمان تجارت جهانی در حل اختلافهای کشورها مشاهده کرد.

هیأت منصفه سازمان بین روند تولید و نوع کالا فرق می‌گذارد و می‌گوید که کشورها نمی‌توانند وارد کردن کالایی را به علت روند تولید آنها که ممکن است قابل قبول نباشد ممنوع کنند؛ یعنی دولتها نمی‌توانند، برای نمونه، ورود کتلهای پوست خز را بدین علت که شکار آن حیوانات به گونه غیرانسانی و با سنگدلی انجام شده است^{۲۴} یا روند

● سازمان تجارت جهانی نه سازمانی اهریمنی چنان که بعضی می‌پندارند و نه فرشته نجات کشورهای در حال توسعه و طبقات فقیر جوامع است. این سازمان برای گسترش تجارت خارجی در سطح بین‌المللی به وجود آمده است، نه برای ایجاد تعادل طبقاتی و ابقا و گسترش حقوق بشر یا حمایت از محیط زیست، و دیگر مسائل مهم و حتی کلیدی.

● دستیابی به عضویت سازمان تجارت جهانی برای هیچ کشوری به منزله داری شفافبخش همه امراض سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی نیست ولی می توان گفت که گامی بلند در جهت بهسازی ساختار اقتصادی و رشد اقتصادی کشور به شمار می رود.

آنها بیندیشند تا بتوانند خود را برای رقابت جهانی آماده کنند. افرادی که معتقدند تجارت آزاد اشتغال داخلی را از بین می برد و اوضاع را بدتر می کند، در حقیقت شرکتهای ضعیف و غیر رقابتی کشور را از شرکتهای نیرومند و رقابتی آن بیشتر و مهمتر می دانند و معتقدند که دولتها یا راهکارهایی برای کمک به این نوع شرکتهای کارکنان آنها ندارند یا فاقد توان ایجاد این راهکارها می باشند. بنابراین نمی توان سازمان را به علت رکود و ناتوانی شرکتهای دولتها سرزنش کرد.

۵. سازمان تجارت جهانی سود بازرگانی را بر سلامت انسانها و حقوق بشر مقدم می داند. سازمان تجارت جهانی و دیگر ارگانهای سازمان ملل متحد مانند بانک جهانی و سازمان جهانی کار... تاکنون حقوق بشر را بسیار محدود و تنها به آزادیهای فردی و سیاسی تفسیر کرده اند و حقوق بشر را در موارد اقتصادی که لزوماً هزینه های سنگین برای اعضا دارد و احتمالاً به توزیع درآمد و ثروت مربوط می شود، نادیده گرفته اند. این روش در بیست و چند سال گذشته، بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و استقرار دولتهایی که کم و بیش انتخابی و مردمی هستند، مورد اعتراض روشنفکران، رهبران طبقات محروم و اتحادیه های صنفی قرار گرفته است.

بطور کلی، در کشورهای توسعه یافته حقوق بشر نهادینه شده و قوانین اساسی آنها، طرز فکر و رفتار دادگاهها و قضات آنها، و قوانین سیاسی-اقتصادی-اجتماعی آنها حقوق بشر را بطور کلی تضمین می کنند و این امر در همه سطوح ارگانهای دولتی و خصوصی نهادینه شده است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه حقوق بشر نهادینه نشده و شهروندان زیر یوغ رهبران خودکامه و همیشگی یا «انتخابی» ولی همیشگی قرار دارند و نمی توانند آزادانه به بهسازی امور اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی خود بپردازند. این کمبود در همه سطوح مملکتی، چه در قوانین اساسی آنها، چه در طرز فکر و رفتار دادگاهها و قضات آنها، چه در قوانین سیاسی-اقتصادی-اجتماعی، و چه در روابط خصوصی آنها دیده می شود. ولی باید توجه کرد که تعریف و روال رعایت حقوق بشر در همه کشورهای پیشرفته توسعه یافته و کشورهای عقب مانده و در حال توسعه یکنواخت نیست. بطور مثال می توان اختلاف ژرف و چشمگیر میان

اروپا، آمریکا و کشورهای جنوب در تعریف و روال رعایت حقوق بشر را عنوان کرد.

آمریکا از جمله کشورهایایی است که در دوران جنگ سرد و پس از آن پیوسته يك روش را پذیرفته و به کار بسته است؛ یعنی همیشه حقوق بشر را محدود به آزادیهای فردی، سیاسی، و اجتماعی دانسته و آنرا به حقوق اقتصادی یعنی اشتغال، مسکن، بهداشت، و غیره تسری ن داده است. به این جهت حداقل امکانات اقتصادی برای شهروندان جزو حقوق تضمین شده آنان نیست و دولت، هر چند کمک هایی برای غذا و مسکن به تهیدستان می رساند، اجباری برای فراهم کردن آنها ندارد.

اروپاییان نسبت به آمریکاییها، گستره حقوق بشر را فراتر از آزادیهای فردی، سیاسی، و اجتماعی می دانند^۱ و در سالهای اخیر دامنه آزادیهای فردی، سیاسی، و اجتماعی را گسترش داده و نیازهای اقتصادی یعنی اشتغال، مسکن، و بهداشت را نیز به آن افزوده اند و می افزایند.

در بسیاری از کشورهای جهان دسترسی به کار مفید برای گذران زندگی مهمتر از دیگر موضوعات حقوق بشر (آزادیهای فردی-سیاسی-فرهنگی) است و بنابراین افراد باید حقوق فردی (بشری) خود را تابع و پایین تر از حقوق مملکتی (دولتی) بدانند و حتی معتقدند که حقوق مدنی، آزادیهای فردی، و آزادیهای سیاسی را باید سرکوب کرد تا بتوان توسعه اقتصادی را بیشتر و بهتر پیش برد. این موضوع را که به نظریه «لی» (به نام لی کوان یو^۲)، بنیانگذار و نخست وزیر پیشین سنگاپور) معروف است، کشورهایمانند چین و سنگاپور در کنفرانس حقوق بشر در وین در بهار سال ۱۹۹۳ پیش کشیدند. کشورهای دیگر آسیایی و آفریقایی مانند هند که در سطح کشورهای «جنوب» به شمار می آیند نیز با این استدلال مخالفی نشان ندادند. هر چند این فکر در کشورهای جنوب ممکن است طرفدارانی داشته باشد، اما استدلال آنها بی پایه به نظر می آید.

از پدیده فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گرایش به نظام های بازتر سیاسی در سراسر جهان در دهه های گذشته می توان برای رد «نظریه لی» استفاده کرد. هر چند شوروی سابق و کشورهای اقمار آن توانستند در باره ای موارد مانند تسلیحات اتمی یا به پای کشورهای غربی پیش بروند، ولی نبود آزادیهای فردی-اجتماعی-سیاسی-اقتصادی که، بطور کلی، لازمه خلاقیت است به نارضایی

نشو کلاسیکها کمتر می آید. آنها فقط به رشد اقتصادی توجه می کنند و آنرا توسعه می پندارند؛ در حالی که بیشترین بخش تولید و درآمد در این گونه توسعه، نصیب طبقه مرفه اجتماع می گردد. علت این استفاده یک جانبه نیز عدم دسترسی، مشارکت، یا مداخله عموم در تصمیم گیریهای مربوط به مسائل کلیدی جامعه است. چون عموم در این تصمیم گیریها بطور مستقیم یا غیرمستقیم و مؤثر شرکت ندارند، حقوق آنها به کمترین میزان ممکن پایین آورده می شود و طبقه مرفه و حاکم سهم عمده را تصاحب می کند.^{۲۱}

خلاصه و نتیجه گیری:

سازمان تجارت جهانی، همانند بانک جهانی، به حق یا ناحق، مورد حمله بسیاری از اصناف و پژوهشگران بوده است. حقیقت امر این است که سازمان تجارت جهانی نه سازمانی اهریمنی چنان که بعضی می پندارند و نه فرشته نجات کشورهای در حال توسعه و طبقات فقیر جوامع است. این سازمان برای گسترش تجارت خارجی در سطح بین المللی به وجود آمده است، نه برای ایجاد تعادل طبقاتی و ابقا و گسترش حقوق بشر یا حمایت از محیط زیست، و دیگر مسائل مهم و حتی کلیدی. هر چند ممکن است این استدلال بی اعتباری به خواستها و نظرات دیگران جلوه کند، ولی واقعیت را نباید از یاد برد که سازمان تجارت جهانی برای چه منظوری ایجاد شده است. در ضمن، کشورها نیز نباید خواستها و منافع ملی خود را نادیده بگیرند و امیال و خواستههای گروههای حاشیه ای را سیاست مرکزی و کلیدی خود قرار دهند. درگیر شدن در بحث خوبی و بدی سیاستهای این سازمان برای هر کشور لازم است ولی نتیجه در مانده شدن در این مباحث، زیان سیاسی و اقتصادی جبران ناپذیر است.

دستیابی به عضویت سازمان تجارت جهانی برای هیچ کشوری به منزله داروی شفابخش همه امراض سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی نیست ولی می توان گفت که گامی بلند در جهت بهسازی ساختار اقتصادی و رشد اقتصادی کشور به شمار می رود.

در حالی که کشورهای جهان چهار نعل به پیش می روند، ایران نه تنها سهم گذشته خود را حفظ

عمومی و فروبازی نظام انجامید. همچنین در هیچ محفلی، از کشورهای غیر دموکراتیک جهان مانند کره شمالی و سودان، تاکنون، بعنوان نمونه توسعه یاد نمی شود.

باید توجه داشت که سازمان تجارت جهانی، مانند دیگر ارگانهای سازمان ملل متحد، مقررات ویژه ای در مورد حقوق بشر ندارد و حتی یک بار هم در مقررات آن عبارت «حقوق بشر» ذکر نشده است. در نتیجه، اثرات ناشی از سیاستهای آن بر درآمد و ثروت شهروندان کشورها مورد توجه سیاستگذاران نیست. ولی اگر این مقررات را با صداقت تعبیر کنیم می توان گفت که باید فرض را بر آن نهاد که اجرای آنها منوط به رعایت حقوق بشر است. به هر روی اگر مقررات این سازمان در موارد رقابت آزاد، حکم قانون، عدم تبعیض، همکاری تولید کنندگان، سرمایه گذاران، بازرگانان و مصرف کنندگان را با دیدی مثبت بنگریم، می توان آنها را در جهت بسط، تشویق، و رعایت حقوق بشر و نیز امیدی برای نظام بهتر و کاملتر برای همه شهروندان اعضای سازمان ملل دانست. این روزنه امید، چندان دور از ذهن نیست چون، برای نمونه، تضمین رقابت برای شهروندان کشورهای عضو لزوماً فشار برای آزادیهای فردی دیگری را به دنبال دارد؛ بدین معنی که تضمین رقابت ناگزیر باید همراه با تضمین مالکیت و احترام به قراردادهای منعقد شده میان طرفین باشد. بنابراین اگر بپذیریم که سیاستهای سازمان تجارت جهانی باعث افزایش رقابت، تجارت، مالکیت، و توسعه اقتصادی می شود، باید امیدوار بود که این نوآمدگان اقتصادی برای دستیابی به دیگر آزادیها و حقوق بشری برای همگان فشار سیاسی به بالا وارد آورند.

به هر روی، هر چند این استدلال ممکن است خردمندان و قابل تأمل به نظر آید ولی نقض حقوق افراد بوسیله دولت و صاحبان سرمایه، ناکارآمدیهای بازار آزاد در توزیع درآمد و ایجاد طبقات متوسط عمده در کشورها را که لازمه تحقق این روند است نادیده می گیرد. همچنین، افزایش نرخ رشد اقتصادی، هر چند ممکن است آب و نان بیشتر و بهتری فراهم کند، اما لزوماً موجب افزایش توسعه به معنی کلی آن نیست. رشد اقتصادی، در بهترین شرایط، توانایی جامعه را در سطح کلان گسترش می دهد ولی نه لزوماً تواناییهای عموم و رفاه کل افراد جامعه را. مسئله توزیع درآمد موضوعی است که در مباحث اقتصادی

● در حالی که کشورهای جهان چهار نعل به پیش می روند، ایران نه تنها سهم گذشته خود را حفظ نکرده است، بلکه تجارت خارجی ایران (کل واردات و صادرات نفت و گاز و غیره) در دو دهه گذشته سیر نزولی داشته و سهم کشور در تجارت جهان از دو درصد به زیر نیم درصد سقوط کرده است.

نکرده است، بلکه تجارت خسار جی ایران (کل واردات و صادرات نفت و گاز و غیره) در دوده گذشته سیر نزولی داشته و سهم کشور در تجارت جهان از دو درصد به زیر نیم درصد سقوط کرده است.^{۲۲} پیوستن به سازمان تجارت جهانی مزایای زیادی برای ایران خواهد داشت که دستیابی به آن در گرو رفع مشکلات سیاسی با آمریکا و بهسازی ساختار اقتصاد داخلی کشور است. عدم حضور در این سازمان شانس ما را از توسعه بالقوه اقتصادی ناشی از افزایش تجارت خارجی کم می کند و ما را از دسترسی بی تبعیض به بازار جهانی، دسترسی به ارگانهای سازمان برای حل اختلافها، و داشتن حق رأی در تصمیم گیریهای سازمان محروم می سازد. از این مهمتر، در جریان پیوستن به سازمان، ساختار اقتصادی ایران تغییر اساسی خواهد کرد و مؤسسات ملی، دولتی، و نیمه دولتی طبق اصول بازار بین المللی، داد و ستد خواهند کرد و در نتیجه از ثروت ملی برای رفاه عموم و نه رفاه معدودی از افراد کشور استفاده خواهد شد.

یادداشتها:

1. General Agreement on Tariffs and Trade.

۲. گات پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شد. اهداف آن تدوین اصول و قوانینی قابل قبول برای تجارت بین المللی، ایجاد مرکزی برای حل اختلافهای تجاری کشورها، برگزاری کنفرانسهای چند جانبه برای پایین آوردن و حذف تعرفهها و مواعی که از رشد تجارت خارجی جلوگیری می کند، حذف تبعیضات در نوع و میزان تعرفهها و مواعی تجاری هر کشور برای کشورهای دیگر، و لغو امتیازات تجاری داده شده از یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر بوده است. کنفرانسهای اول تا چهارم گات به نام اشخاص یا محل بخصوصی نبود ولی کنفرانسهای پنجم به بعد به نام افراد ذی نفوذ، یا محلی که یک دور جدید در آن شروع یا برگزار شده بود مشهور گردید. دور اول گات (۱۹۴۷) در ژنو بود؛ دور دوم (۱۹۴۹) در آنسی (Annecy)، فرانسه؛ دور سوم (۱۹۵۱-۱۹۵۰) در تر کووی (Torquay) انگلیس؛ دور چهارم (۱۹۵۶-۱۹۵۵) در ژنو، دور پنجم در ژنو (۱۹۶۲-۱۹۶۱) (این دور به نام دور داگلاس دیلن (Dillon Round) وزیر خزانه داری ایالات متحده آمریکا خوانده شد و نامگذاری دورها آغاز شد)؛ دور ششم (دور کندی) در ژنو (۱۹۶۷-۱۹۶۴)؛ دور هفتم (دور توکیو) در توکیو (۱۹۷۹-۱۹۷۴)؛ دور هشتم (دور لوگوته) در اروگوته (۱۹۹۳-۱۹۸۶)، که منجر به تولد سازمان تجارت جهانی شد؛ دور نهم (دور دوحه) در قطر (۲۰۰۱).

۳. علت تأخیر در تصمیم گیری در این دوره این بود که در

مذاکرات دوره های قبل، از مسائل مهمی چشم پوشی شده بود. این مسائل موانع غیر تعرفه ای، حقوق مالکیت معنوی، آزاد کردن تجارت خدمات که کشورهای پیشرفته بر آن متمرکز بودند، آزادسازی تجارت تولیدات کشاورزی که کشورهای کمتر توسعه یافته می خواستند از محدودیتهای آن کاسته شود ولی کشورهای اروپایی (بویژه فرانسه)، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، و ژاپن بر حفظ محدودیتهای آن اصرار داشتند را شامل می شد؛ و بالاخره، بهتر نمودن مسائل هم برای کشورهای ثروتمند (شمال) و هم برای کشورهای فقیر (جنوب) اهمیت فراوان داشت و هیچکدام به سادگی تن به سازش نمی دادند.

4. [http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m01- e.htm](http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/10mis-e/10m01-e.htm)

5. <http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m02- e.htm>

6. <http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m03- e.htm>

7. <http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m04- e.htm>

8. <http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m05- e.htm>

۹. حقوق بشر، بطور کلی، شامل حق حیات، آزادی و امنیت فردی، برابری در برابر قانون، عدم تبعیض، آزادی بیان، آزادی گردهم آبی، حق انتخاب نوع کار، حق خودمختاری فردی، حق کار در برابر دستمزد مناسب، تحصیل و بهداشت رایگان یا کم هزینه و دیگر حقوق اقتصادی، حقوقی است که بیشتر کشورها برای شهروندان خود قائل نیستند.

10. <http:// www. wto. Org/english/thewto - e/ Whatis - e/10mis - e/10m04- e.htm>

۱۱. همان.

12. WTO dispute pane

۱۳. ماهی یونس (Dolphins) و ماهی تون (Tuna fish) ۱۴. برای مثال می توان از شکار سمور بوسیله تله های آهنی نام برد. شکار چیان برای شکار این حیوان (جهت تولید پوشاک پوستی) از تله های آهنی دندانه دار بهره می گیرند که پاهای حیوانات در آن گیر می کند و حیوانات ممکن است روزها بی آب و غذا در آنها گرفتار باشند تا زمانی که صیاد برسد و آنها را خلاص کند.

۱۵. ماهی یونس معمولاً در بالای ماهی تون شنا می کند. ماهیگیران برای شکار ماهی تون باید در جاهایی که ماهی یونس شنا می کند دام گذاری کنند. بنابراین ماهیهای یونس در تورهایی که برای به دام انداختن ماهی تون گسترده می شود به دام می افتند و در آب خفه می شوند و می میرند.

● پیوستن به سازمان تجارت جهانی مزایای زیادی برای ایران خواهد داشت که دستیابی به آن در گرو رفع مشکلات سیاسی با آمریکا و بهسازی ساختار داخلی کشور است. عدم حضور در این سازمان شانس ما را از توسعه بالقوه اقتصادی ناشی از افزایش تجارت خارجی کم می کند و ما را از دسترسی بی تبعیض به بازار جهانی، دسترسی به ارگانهای سازمان برای حل اختلافها، و داشتن حق رأی در تصمیم گیریهای سازمان محروم می سازد.

تعرفه پایین تری نسبت به دیگر صادر کنندگان موز تعیین کردند تا کمکی به کشاورزان این کشورها شود. آمریکا، به پشتیبانی از شرکت چند ملیتی صادر کننده موز یعنی چکیتا، از این تصمیم به سازمان تجارت جهانی شکایت برد، با این استدلال که اروپا بین تولید کنندگان و صادر کنندگان موز تبعیض قائل شده است. سازمان از آمریکا حمایت کرد و به کشورهای اروپایی دستور داد تا تعرفه گمرکی را حذف کنند یا آن تعرفه پائینتر را در مورد همه صادر کنندگان موز به اروپا به کار گیرند.

18. <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/10mis-e/10m06-e.htm>

19. Ernest - Ulrich Petersmann, "Time for a United Nations 'Global Compact' for Integrating Human Rights into the Law of Worldwide Organizations: Lesson from European Integration", *European Journal of International Law*, 13, 3, Law Module, pp. 621-650, 2002.

20. Lee Thesis (Lee Kuan Yew).

۲۱. تقدّم یا تأخّر توسعه سیاسی نسبت به توسعه اقتصادی بحثی است که همواره با واکنش های شدید همراه بوده است. به نظر می آید که در کشورهای غیر دموکراتیک «جنوب» مانند چین بیشتر اعتقاد به تقدّم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی است. در مرحله نخست باید توجه داشت که توسعه، بطور کلی، در بردارنده مجموعه ای از تحولات فیزیکی و غیر فیزیکی است که از یکدیگر جدا نیستند و نمی توان آنها را بطور مصنوعی از یکدیگر جدا کرد. آزادیهای سیاسی، فردی، و فرهنگی، هم هدف و مقصد توسعه و هم ابزار توسعه هستند. بنابراین، هر چند رفاه ناشی از توسعه سیاسی، آزادیهای فردی، و فرهنگی لمس ناشدنی است و سهم آنها در تولید ناخالص ملی را نمی توان مستقیماً و دقیقاً اندازه گرفت، به همان ترتیب نمی توان به بهانه توسعه اقتصادی که قابل لمس و اندازه گیری است رفاه عمومی را کاهش داد. روند، کیفیت، دامنه، تداوم، و شتاب توسعه متغیرهایی است مبتنی بر میزان آزادیهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی. هر چه آزادیهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی عمومی تر، فراگیرتر، و وسیعتر باشند، راهها را برای یکدیگر هموارتر و آسان تر می کنند و توسعه های همه جانبه نیز فراتر خواهند رفت.

22. Hamid Zangeneh, "The Iranian Economy and the Globalization Process", in Ali Mohammadi, ed., *Iran Encountering Globalization: Problems and Prospects*, Routledge Curzon, pp. 107-133, 2004.

به این دلیل در سال ۱۹۷۲ آمریکا قانونی گذراند که ورود ماهی تون را که صید آن باعث کشته شدن ماهی یونس می شود محدود کرد. اصلاحات بعدی که به تصویب رسید ورود ماهی تون را تقریباً غیر ممکن ساخت. در سال ۱۹۹۰ دادگاه ناحیه شمال کالیفرنیا ورود ماهی تون صید شده در شرق اقیانوس آرام را یکسره ممنوع کرد. مکزیك که صادر کننده ماهی تون صید شده در شرق اقیانوس آرام به آمریکا بود از این قانون شکایت کرد: شکایت مکزیك با توجه به يك اصل گات صورت گرفت که بر مبنای آن کشورهای نمی توانند برای واردات سهمیه بندی کنند و استدلال کرد که این قانون، به معنی سهمیه بندی برای محدود کردن واردات و غیر قانونی است. گات و سپس سازمان تجارت جهانی با حمایت از مکزیك به روشنی اعلام کردند که کشورهای نمی توانند روند تولید را معیار جلوگیری از ورود کالاها قرار دهند. بنابراین کشورهای حق ممنوع کردن واردات به علت روندی غیر قابل قبول مانند بهره گیری از تله های آهنی، غرق کردن ماهی یونس، یا بهره گیری آزمایشگاهی از حیوانات را ندارند. به نظر می رسد که این سازمان از يك سو کشورهای را ترغیب به حفاظت و حمایت از حیوانات می کند و از سوی دیگر کشورهای را اوار می کند که این حمایتها را به مرحله عمل در نیاوردند.

۱۶. برخی از شرکتهای دارویی و تولید کنندگان لوازم آرایش، محصولات خود را، پیش از ارائه به بازار، روی حیوانات آزمایش می کنند که این روند باعث کور شدن، مردن، و زجر دیدن آنها می شود. به این جهت پاره ای از کشورهای ورود داروها و لوازم آرایش تولید شده به این طریق را ممنوع کرده اند.

17. <http://www.globalexchange.org/campaigns/wto/CaseStudies.html>

این مأخذ دو نمونه از تصمیمات سازمان تجارت جهانی را که به نظر منتقدان مخالف فعالیتهای بین المللی برای پیشبرد حقوق بشر و کمک به کشورهای فقیر است توضیح می دهد. نمونه نخست، اقدام دولت ایالتی ماساچوست بر ضد حکومت دیکتاتوری نظامی در برمه است. ماساچوست بر پایه درخواست خانم «آنگ سان سوکی»، برنده جایزه نوبل، معاملات دولتی خود را با همه شرکتهایی که با برمه معاملاتی داشتند ممنوع کرد؛ قانونی شبیه قوانینی که در مورد آفریقای جنوبی وضع شد و باعث فروپاشی نظام نژادپرست آفریقای جنوبی گردید. کشورهای اروپایی و ژاپن در این مورد به سازمان شکایت کردند که این قانون از اصل عدم تبعیض میان شرکتهای تخلف کرده است. نمونه دوم، جنگ موز بین آمریکا و اروپا است. کشورهای اروپایی برای کمک به کشورهای مستعمره قدیم خود که صادر کننده موز هستند سهمیه ای در حدود ۷ درصد کل واردات اروپا با

● در جریان پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ساختار اقتصادی ایران تغییر اساسی خواهد کرد و مؤسسات ملی، دولتی، و نیمه دولتی طبق اصول بازار بین المللی، دادوستد خواهند کرد و در نتیجه از ثروت ملی برای رفاه عموم نه رفاه معدودی از افراد کشور استفاده خواهد شد.